

تجربه زیسته زوجین متقاضی طلاق: (با تأکید بر سنخ‌شناسی معنای طلاق و نقش تحولات دوره زندگی در وقوع طلاق)

The Lived Experience of Couples Applying for Divorce:
(with an Emphasis on the Typology the Meaning of Divorce and the Role
of Life Changes in the Occurrence of Divorce)

<https://doi.org/10.48308/JFR.19.3.415>

A. Moradi, Ph.D.

Department of Educational Sciences and Psychology,
Farhangian University, Kermanshah, Iran.

M. mirzaei, Ph.D. Student

Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences
and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.

امیر مرادی

گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان

✉ معصومه میرزایی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء(س)

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۶/۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۱۲

Abstract

As a result of occurrence of numerous changes in life and sudden events, the interactions of couples face fundamental challenges. In order to achieve a deeper understanding of the meaning attributed to divorce and the role of life changes in divorce, based on the lived experience of couples applying for divorce, this research was conducted qualitatively and with a phenomenological approach. In order to collect data, a semi - structured and in-depth interview was conducted with 16 -

چکیده

بروز تغییرات متعدد در روند زندگی و ظهور رخداد‌های ناگهانی، تعاملات زوجین را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. پژوهش حاضر به منظور رسیدن به فهم عمیق‌تر از معنایی که به طلاق منتسب می‌کنند و نقش تحولات زندگی در طلاق بر اساس تجربه زیسته زوجین متقاضی طلاق، به صورت کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. به منظور گردآوری داده‌ها با شانزده نفر از (زنان و مردان) متقاضی طلاق در محدوده سنی ۲۷ تا ۴۵ سال، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق انجام شده است.

✉Corresponding author: Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Science, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: masoumeh.mirzaei.73@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران، ونک، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه علوم اجتماعی.
پست الکترونیک: masoumeh.mirzaei.73@gmail.com

people applying for divorce in the age range of 27-45. The interviewers were selected by purposive sampling method. Maxqda software was used to facilitate data analysis. Based on the research findings; people's understanding of the meaning of divorce was identified in the three main themes of liberation, end point and realistic acceptance, as well as the factors of changes in the situation of living together such as changes in status: personal health, job status, network relationships, sexual relationships, style life, changes in the environment, unexpected events, sudden change in status and value transformation were identified as the main grounds for divorce, and each case can be resolved by carefully examining the issue and managing it properly, or by preventing the issues from becoming critical.

Keywords: Divorce, Sudden Changes, Couple's Attitude, Value Transformation, Disruption in Network Relationships.

مصاحبه‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای سهولت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار maxqda استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، فهم افراد از معنای طلاق در سه مضمون اصلی راه‌هایی، نقطه پایان و پذیرش واقع‌بینانه شناسایی شد. همچنین عوامل بروز تغییرات در روند زندگی مشترک مانند تغییرات در وضعیت (سلامت شخص، وضعیت شغلی، روابط شبکه‌ای، روابط جنسی، سبک زندگی، تغییرات در محیط، اتفاق‌های غیرمترقبه، تغییر ناگهانی در منزلت و استحاله ارزشی) به عنوان بسترهای اصلی طلاق شناسایی شدند که هرکدام را می‌توان با بررسی دقیق مسئله و مدیریت شایسته آن، حل و رفع یا از بحرانی شدن مسائل و متلاشی شدن خانواده جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، تغییرات ناگهانی، نگرش زوجین، استحاله ارزشی، اختلال در روابط شبکه‌ای.

مقدمه

بی‌تردید خانواده بنیادی‌ترین و جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است که آمادگی لازم را در افراد برای حضور و مشارکت در اجتماعات بزرگ‌تر ایجاد می‌کند. خانواده نهادی است که ظرفیت فراوانی در ایجاد آرامش، رشد و تعالی فردی و اجتماعی و التیام ناگواری‌های جسمی و روحی اعضای خود و ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه دارد. در واقع عنصر اصلی سازمان اجتماعی تلقی می‌شود که در رفع نیازهای اعضا نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷؛ فورا، ۲۰۱۸). خانواده به عنوان یکی از زیرسیستم‌های بااهمیت و اصلی جامعه از کانون‌های متأثر از تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر و هم‌زمان با جهانی شدن و ورود عناصر مدرنیته به سطح جامعه، دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای در اشکال، ساختار و ارزش‌های ذهنی و نظام هنجاری اعضای آن شده است (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹). در این مسیر، ناهماهنگی و ناسازگاری فرد و نظام‌های اجتماعی با شرایط در حال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه نهاد خانواده می‌شود (رضایی‌نسب، ۱۴۰۰). از آنجاکه این نهاد محل بسیاری از تصمیم‌های

زندگی هر فرد شناخته می‌شود، در نظر گرفتن تغییرات در نهاد خانواده (جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی) و... ضروری تلقی می‌شود (چکرورتی و همکاران^۲، ۲۰۲۱). بنابراین اگر اعضای خانواده با موقعیت‌های متناقض و گیج‌کننده روبه‌رو شوند و در سازگاری با آن موقعیت دچار مشکلات فراوانی شوند، احتمال طلاق افزایش می‌یابد (الغرایبه^۳، ۲۰۱۸؛ والویا^۴، ۲۰۰۷). می‌توان گفت طلاق انحلال نهایی و قانونی ازدواج طبق مقررات هر کشور محسوب می‌شود و آخرین مرحله پایان زندگی زناشویی است (داگنیو و همکاران^۵، ۲۰۲۰). مسئله طلاق به یک تجربه رایج در بسیاری از کشورها تبدیل شده است و روند آن روزبه‌روز در حال گسترش است. این اتفاق خطرناک‌ترین نوع فروپاشی خانواده محسوب می‌شود، زیرا جامعه به خطر می‌افتد و راه زوال را طی می‌کند (بیگی و خدادادی، ۱۴۰۰؛ زهل‌السون^۶، ۲۰۲۲). با تغییرات و تحولات سریع در جامعه، روزبه‌روز بر پیچیدگی خانواده در اقصی نقاط جهان افزوده می‌شود. شکل‌گیری گونه‌های مختلف خانواده، گسترش روابط انتخابی تا ایجابی، خانواده‌های تک‌والد، پدیده مادران مجرد، روابط فرزاناشویی، کاهش طول مدت ازدواج و بالاخره افزایش سریع نرخ طلاق همه و همه از این نوع تغییرات و تحولاتی است که بر پیچیدگی روابط در خانواده‌ها افزوده است (پیری و همکاران، ۱۳۹۹). مشکلات مدیریت تعارض، دخالت والدین و مشکلات ارتباطی، عدم تعهد به ازدواج، اعتیاد به الکل، آزار جسمی و جنسی، ناسازگاری، مشکلات مالی و نداشتن بلوغ فکری از عوامل اصلی طلاق هستند (یشیورک^۷، ۲۰۱۹؛ مفلیق و همکاران^۸، ۲۰۲۲).

طلاق فرایند پیچیده‌ای است که می‌توان از منظرهای مختلف به آن نگریست: ممکن است زوج‌ها را از نظر اقتصادی ناآرام کند، از لحاظ روحی آشفته نماید و بر وضعیتشان در جامعه تأثیر بگذارد. بنابراین طلاق نه تنها باعث تخریب اجتماعی، روانی و اقتصادی زوج‌های مطلقه می‌شود، بلکه برای تمام اعضای خانواده به عنوان یک مشکل اجتماعی ظاهر می‌شود (گونای^۹، ۲۰۱۹؛ لیبو^{۱۰}، ۲۰۲۰). همچنین از لحاظ عاطفی استرس‌زاست و با احساسات منفی مانند ناامیدی، رنجش و بی‌اعتمادی همراه است و در کل، بر سلامت جسمی روانی افراد تأثیر منفی می‌گذارد (اسمیت-انتچبریا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ دیوی^{۱۲}، ۲۰۱۷). این مسئله صرفاً یک مشکل شخصی نیست، بلکه به دلیل تأثیرات آن بر زوجها و فرزندان آن‌ها و پیامدهای آن برای کل جامعه و اقتصاد، نیاز به توجه دارد (لیوپلد^{۱۳}، ۲۰۱۸، داگنیو و همکاران، ۲۰۲۰). تمامی تغییرات اجتماعی و فرهنگی نظیر افزایش نرخ شهرنشینی، پیچیدگی زندگی روزمره، جهانی شدن فناوری ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی، تغییر در فرهنگ مصرف‌کننده، روندهای فردی شدن، استقلال اقتصادی همسران، انتظارات نقش‌های سنتی، تغییر در سطح شغلی، تفاوت‌های مذهبی، اعتقادی و نژادی، سبب بروز مشکلات اساسی منفی در خانواده می‌شود (گونای، ۲۰۱۹). هرچند طلاق در وضعیت حاضر به صورت متداول‌ترین راه‌حل ازدواج‌های ناموفق درآمده است، اما در بهترین شرایط، طلاق تجربه هیجانی ناراحت‌کننده‌ای است و در بدترین وضعیت، می‌تواند به شوک و سردرگمی شدید منجر شود (بیگی و خدادادی، ۱۴۰۰؛ مورتلمنس^{۱۴}، ۲۰۲۰). لذا بهزیستی اجتماعی انسان‌ها، به ویژه زوجین، در همراهی و برقراری ارتباط با دیگران نهفته و کمیت و کیفیت این تعاملات و ارتباطات مهم‌ترین عامل در بهبود سلامت اجتماعی زندگی و کاهش گرایش به طلاق است (محمودزاده‌مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). زندگی زناشویی که با تفاهم خانواده و همگنی مشخص می‌شود، به سلامت روانی زوجین و اعضای خانواده کمک مثبتی می‌کند (الغرایبه، ۲۰۱۸) و تا حد زیادی این تفاهم به نوع نگرش زوجین به مسئله طلاق مرتبط است. پژوهش‌های متعددی در زمینه علل طلاق، زمینه‌ها،

آسیب‌ها و پیامدهای آن بر خانواده و جامعه انجام شده است که اغلب از منظر فردی و اجتماعی به پدیده طلاق نگریده‌اند. می‌توان گفت عوامل طلاق در دسته‌بندی‌های مشخصی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) قرار گرفته که ابعاد هر یک از این مؤلفه‌ها را پژوهشگران واکاوی کرده‌اند. تاج‌بخش (۱۴۰۰) پژوهش خود را با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل فرهنگی مؤثر بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد به انجام رساند. روش این تحقیق، کیو (Q)، و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته (پرسش‌نامه کیو (Q)) بوده است. بر اساس نتایج، مواردی چون دامن زدن خانواده‌ها و اطرافیان به اختلاف‌ها، عادی بودن موضوع طلاق، تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی به ترتیب بیشترین درصد از عوامل وقوع پدیده طلاق در شهرستان بروجرد را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی را با هدف رسیدن به درکی از تجربه زیسته زوجین متقاضی طلاق و استخراج مدل از درون این تجربه‌ها و ترسیم پارادایم مربوطه انجام دادند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با زوجین متقاضی طلاق در دادگاه خانواده کرج به دست آمد. نتایج این پژوهش کیفی نشان داد شرایط علی مسئله طلاق شامل: دگرگونی ساختاری و ایدئولوژیکی خانواده، تحولات خانواده، مسائل فرهنگی و مسائل اقتصادی است. ابراهیمی‌منش (۱۳۹۵) پایان‌نامه‌اش را با هدف «استخراج تجارب زنان مطلقه یا متقاضی طلاق در خصوص زندگی زناشویی‌شان در سطح شهر شیراز» با رویکردی برساخت‌گرایانه و با استفاده از روش‌شناسی کیفی و اسلوب نظریه زمینه‌ای به انجام رساند که در آن مقولات «ناکارآمدی الگوی ارتباطی»، «کیفیت نامطلوب سرمایه اجتماعی»، «نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض» به عنوان عوامل علی، و «فقدان مهارت‌های بنیادین و بیگانگی از ماهیت ازدواج و زندگی زناشویی» به عنوان مقوله هسته نهایی در اقدام به طلاق در نظر گرفته شده است.

علاوه بر موارد اشاره‌شده، گونای و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی را با نام «طلاق به عنوان یک مشکل اجتماعی و علل آن» به انجام رساندند. این مطالعه با هدف بررسی دلایل طلاق انجام شده است که ۵۱۹ پرونده طلاق در دادگستری کاربوک بررسی شد. با توجه به نتایج، دلایلی مانند ناسازگاری مزاج، ناسازگاری معنوی، خشونت از سوی شوهر و انجام ندادن مسئولیت‌ها در قبال خانواده، مهم‌ترین علل طلاق شناسایی شد. خان و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۹) پژوهشی را با هدف شناسایی عوامل مرتبط افزایش نرخ طلاق و پیامدهای آن در پاکستان (در شهرهای کراچی، لاهور، اسلام‌آباد، پیشاور) با روش کیفی انجام دادند. نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد عواملی مانند خشونت جنسی، دخالت در خانواده و اختلال در تعامل‌ها از مهم‌ترین دلایل طلاق محسوب می‌شوند. الغرابیه (۲۰۱۸) پژوهشش را «علل طلاق زودهنگام» با هدف بررسی علل زودهنگام طلاق در بین زنان و مردان جوان (در شهر شارجه امارات) به انجام رساند. تجزیه و تحلیل میدانی داده‌ها از طریق پرسش‌نامه (۸۶۵ نفر) نشان داد که علل اصلی طلاق زودهنگام ارتباط ضعیف زوجین و دخالت‌های غیرقانونی توسط خانواده همسر، نوع نگرش و شخصیت همسر، میزان صمیمیت در روابط زناشویی و عوامل مالی، به ویژه حساست شدید همسر، است. همچنین فوراً (۲۰۱۸) پژوهشی را با هدف کشف دلایل و پیامدهای طلاق به انجام رساند. این مطالعه با توجه به روش کیفی (رویکرد پدیدارشناسی) در (شهر ویسوا اتیوپی) انجام شده است. نتایج مصاحبه با ۲۵ نفر از افراد نشان داد، مواردی از جمله (دخالت خانوادگی، خیانت، از دست دادن شغل، کمبود منابع و امکانات برای ادامه زندگی زناشویی،

ناسازگاری جنسی و اعتیاد) از مهم‌ترین دلایل طلاق و مواردی مانند (عدم حمایت اجتماعی، روانی و مالی از طرف دیگران و اختلال در روابط اجتماعی) از پیامدهای عمده طلاق محسوب می‌شوند. در دهه‌های اخیر، هم‌راستا با گسترش پدیده طلاق در سطح جهانی، در ایران نیز این آمار به شکل نگران‌کننده‌ای در حال گسترش است. بررسی آمار وقایع طلاق ثبت‌شده در استان‌های مختلف، به ویژه استان کرمانشاه، بر بحرانی شدن این مسئله دلالت دارد. طی پنج سال اخیر مشاهده می‌شود که روند طلاق در این استان هرچند با فرازونشیب همراه بوده، اما سیر صعودی آن در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال‌های قبل، قابل ملاحظه است، به گونه‌ای که مجموع نرخ طلاق در مناطق شهری و روستایی از ۴۶۹۷ در سال ۱۳۹۷ به ۵۱۷۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. توجه به این آمار زمانی حائز اهمیت است که نرخ ازدواج ثبت‌شده در استان کرمانشاه با کاهش شدیدی مواجه شده و از تعداد ۱۹۹۱۳ در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۶۰۳۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده و سیر نزولی داشته است.

جدول ۱: تعداد ازدواج و طلاق‌های ثبت‌شده در نقاط شهری و روستایی استان کرمانشاه

سال	جمع		شهری		روستایی	
	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق
۱۳۹۵	۱۹۹۱۳	۵۱۶۲	۱۷۵۷۸	۴۸۵۳	۲۳۳۵	۳۰۹
۱۳۹۶	۱۷۰۰۵	۵۱۲۸	۱۵۱۶۵	۴۸۴۷	۱۸۴۰	۲۸۱
۱۳۹۷	۱۷۲۹۲	۴۶۹۷	۱۵۸۷۳	۴۴۰۸	۱۴۱۹	۲۸۹
۱۳۹۸	۱۵۶۸۲	۴۷۶۶	۱۴۲۵۱	۴۴۷۹	۱۴۳۱	۲۸۷
۱۳۹۹	۱۵۹۸۴	۴۴۹۰	۱۴۵۳۷	۴۲۲۲	۱۴۴۷	۲۶۸
۱۴۰۰	۱۶۰۳۸	۵۱۷۸	۱۴۷۹۳	۴۸۹۹	۱۲۴۵	۲۷۹

شمای کلی از وضعیت روند طلاق و ازدواج در استان کرمانشاه در جدول شماره (۱) قابل ملاحظه است که روند کاهش نرخ ازدواج و سیر صعودی طلاق، در مناطق شهری و روستایی را در سال‌های اخیر نمایش می‌دهد، به گونه‌ای که نرخ ازدواج در مناطق شهری از تعداد ۱۷۵۷۸ در سال ۱۳۹۵ به ۱۴۷۹۳ در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته، حال آنکه نرخ طلاق همچنان در حال افزایش است. از سال ۱۳۹۷ سیر صعودی روند پدیده طلاق در استان کرمانشاه چشمگیر بوده است و از تعداد ۴۴۰۸ در سال مذکور، به سقف تعداد ۴۸۹۹ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در مناطق روستایی نیز نرخ ازدواج از تعداد ۲۳۳۵ در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۲۴۵ رسیده که نشان‌دهنده روند کاهشی است؛ اما همچنان سیر نمودار طلاق صعودی است. در پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده، به مشکلات متعدد روابط زوجین در دوران‌های مختلف (اوایل ازدواج یا به عبارتی طلاق زود هنگام یا اختلاف‌های گسترده و تصمیم به طلاق در سنین بالاتر) اشاره شده و عوامل تشدیدکننده طلاق یا برهم‌زننده روابط صمیمانه تشریح شده است؛ اما در پژوهش حاضر سعی شده که ضمن توجه به تغییرات اثرگذار در اقدام به طلاق، به یک سنخ‌شناسی از معنای منتسب به طلاق بر اساس تجربه زیسته زنان و مردان از این مسئله در نظر گرفته شود، زیرا تصورات ذهنی و باورهای شخص از این پدیده، یقیناً در بزرگ‌نمایی مسائل و تصمیم به ترک زندگی مشترک اثرگذار خواهد بود. علاوه بر آن، باتوجه به پیچیدگی روابط در فضای شبکه‌های آنلاین آفلاین و گسترش زندگی مدرن و در پی آن، ایجاد حواشی منفی

در روابط خانوادگی، تشریح این موضوع به بررسی بیشتری نیاز دارد. لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های محوری زیر است که پرسش‌های مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته بر مبنای آن مطرح شده است:

۱. بر اساس تجربه زیسته زوجین متقاضی طلاق، چه سنخ‌هایی از معنای طلاق وجود دارند؟
۲. بر اساس تجربه زیسته زوجین، چه تغییرات و تحولاتی زمینه‌ساز طلاق می‌شود؟

روش

این پژوهش با استفاده از روش کیفی (با تأکید بر رویکرد پدیدارشناسی^{۱۶}) انجام شده است. پدیدارشناسی رویکردی است که هم به عنوان دستگاه فلسفی و هم به مثابه روش‌شناسی مستقل در علوم انسانی و اجتماعی شناخته می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۷). می‌توان گفت پدیدارشناسی روش مناسبی برای توصیف ذات یا جوهره یک تجربه زیسته است و از طریق آن می‌توان به درک عمیق‌تر مسئله مدنظر دست یافت. جامعه هدف پژوهش حاضر، زنان و مردان متقاضی طلاق شهر کرمانشاه بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند برای مصاحبه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر معیار پذیرش نمونه، مواردی چون تجربه تغییرات پیش‌بینی‌نشده در زندگی، افراد بالای هجده سال و علاقه به انجام مصاحبه در نظر گرفته شد. این امر ضمن توجه به تنوع ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان از لحاظ شرایط ازدواج قبلی، تنوع شبکه روابط زوجین، مدت زندگی مشترک، تحصیلات، اشتغال، تعداد فرزندان خانواده و سن انجام شد. دسترسی به نمونه‌ها با حضور در کلینیک‌های مشاوره صورت گرفت. فرایند انتخاب و مصاحبه تا زمان اشباع اطلاعات (مصاحبه با شانزده نفر) تداوم یافت. به منظور گردآوری داده‌ها، از روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. محقق ضمن توجه به ملاحظات اخلاقی مانند حفظ حریم شخصی، توجه به نظرات مصاحبه‌شوندگان و اظهاراتشان در موضوع مدنظر یا انصراف از مصاحبه در هر زمان که تمایلی به ادامه فرایند مصاحبه نداشته باشند، فرایند مصاحبه را به صورت حضوری و در مواردی به صورت تلفنی انجام داده است. در یازده مورد از نمونه‌ها مصاحبه به صورت حضوری در کلینیک‌های مراجعه‌شده به مدت ۲۰ تا ۲۵ دقیقه و در پنج مورد دیگر باتوجه به پاره‌ای از مشکلات شخصی خانوادگی افراد، فرایند مصاحبه به صورت تماس‌های تلفنی (سه بار) به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با روش کلاسی^{۱۷} انجام شده است. به منظور سهولت در فرایند کدگذاری و بررسی مجدد متن مصاحبه‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا^{۱۸} استفاده شد. در روش ذکرشده، فهرست اظهارات مهم تهیه می‌شود، سپس پژوهشگر درباره نحوه تجربه، موضوع را به کمک افراد تحت مطالعه پیدا و آن‌ها را فهرست می‌کند (افق‌سازی داده‌ها^{۱۹}). اظهارات مهم به «واحدهای معنایی»^{۲۰} دسته‌بندی می‌شود و توصیفی از «آنچه» مشارکت‌کنندگان درباره پدیده تجربه کرده‌اند، ارائه می‌شود (توصیف زمینه‌ای).

سپس توصیفی از «نحوه» تجربه به نام «توصیف ساختاری» ارائه می‌شود که در آن، پیشگر درباره بستری که در آن پدیده تجربه شده اندیشه‌ورزی می‌کند. آنگاه توصیفی ترکیبی از پدیده، با ترکیب هردوی توصیف‌های بستری و ساختاری نوشته می‌شود (کرسول، ۱۴۰۰). پژوهشگران بعد از جدا کردن تجارب شخصی خود، به گردآوری اطلاعات از افرادی که تجربه پدیده مسئله را داشته‌اند، می‌پردازند. سپس اظهارات

مصاحبه‌شوندگان به نقل‌قول‌های مهم تقلیل پیدا می‌کند و در قالب مضامین تحلیل می‌شوند. در پایان، ترکیبی از توصیفات زمینه‌ای و ساختاری ارائه می‌شود. برای ارزیابی اعتبار در پژوهش کیفی، نتایج تحقیق به مصاحبه‌شوندگان برگردانده شد و سپس اطلاعات به‌دست‌آمده با توضیحات آن‌ها منطبق شد. این امر به منظور رفع تناقض بین توضیحات مصاحبه‌شوندگان و نگرش‌های پژوهشگر صورت گرفت و به منظور اصلاح و کدگذاری داده‌ها و نیز برای بررسی قابلیت اعتماد، متن‌های مصاحبه به دو کارشناس باتجربه ارائه شد و بعد از اعمال نظرات آن‌ها، جدول مضامین و مفاهیم تنظیم شد. شایان ذکر است که به منظور حفظ حقوق شرکت‌کنندگان در پژوهش، به آن‌ها این اطمینان خاطر داده شد که هویت واقعی‌شان منتشر نخواهد شد و اطلاعاتشان محرمانه باقی خواهد ماند.

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

در جدول شماره ۲ مشخصات کلی پاسخ‌گویان که به عنوان نمونه در شهر کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، درج شده است. تعداد کل مصاحبه‌شوندگان شانزده نفر تعیین شد که در بخش یافته‌های پژوهش، توضیحات هر پاسخ‌گو با کدهای مذکور ذکر شده است.

جدول ۲: سیمای کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	شغل همسر	مدت زندگی مشترک	تعداد فرزند	ازدواج قبلی
۱	زن	۳۱	لیسانس	خانه‌دار	خواننده	۵ سال	-	-
۲	مرد	۳۵	دیپلم	آزاد	بلاگر	۴ سال	۱	-
۳	زن	۳۶	دیپلم	خانه‌دار	کارگر ساختمان	۷ سال	۲	-
۴	مرد	۲۹	لیسانس	کارمند شرکت نفت	طراح لباس	۳ سال و ۵ ماه	۱	-
۵	زن	۲۷	لیسانس	آرایشگر	نظامی	۳ سال و ۹ ماه	-	-
۶	مرد	۳۷	دیپلم	آزاد	خانه‌دار	۳ سال	۱	-
۷	زن	۲۹	لیسانس	خیاط	بیکار	۳ سال	۱	-
۸	مرد	۳۸	فوق لیسانس	رئیس بانک	دبیر	۴ سال	۱	-
۹	زن	۳۵	لیسانس	خانه‌دار	تولیدی پوشاک	۵ سال	۲	*
۱۰	مرد	۳۳	لیسانس	معاون مدرسه	دفتردار	۳ سال و ۶ ماه	۱	-
۱۱	زن	۳۶	لیسانس	کارمند اداره بهداشت	آزاد	۹ سال	-	-
۱۲	مرد	۳۳	فوق لیسانس	مهندس عمران	پزشک	۲ سال و ۸ ماه	-	*
۱۳	زن	۳۴	دیپلم	خدمات امور منزل	آشپز	۵ سال	۱	-
۱۴	مرد	۳۵	لیسانس	کارمند آتش‌نشانی	حسابدار	۳ سال و ۶ ماه	۱	*
۱۵	زن	۲۷	دیپلم	تابلوبافی	بوتیک	۲ سال	-	-
۱۶	مرد	۲۹	دیپلم	تعمیر وسایل منزل	خانه‌دار	۳ سال	۱	-

بیان یافته‌ها

الف. سنخ‌شناسی معانی منتسب به طلاق

باتوجه به پرسش‌های پژوهش، ابتدا نوع نگرش زوجین به مسئله طلاق بررسی شد که این امر در سه مقوله اصلی (راه نجات و رهایی از وضع موجود، نقطه پایان زندگی، نگاه واقع‌بینانه) شناسایی شد. نوع

برداشت و تلقی افراد از مسئله طلاق، در سازگاری با تغییرات روند زندگی یا تصمیم به اخذ طلاق اثرگذار است. هر اندازه طلاق در باور ذهنی افراد منفی تلقی شود و قبح بیشتری داشته باشد، تلاششان ابتدا به سمت حل مشکلات زندگی خواهد بود و سپس در درجه دوم، در صورت حل نشدن مشکلات به طلاق روی می‌آورند. لذا تنها درک، فهم و شناسایی بسترها در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) کافی نیست، بلکه علاوه بر مسائل بیرونی، توجه به اندیشه‌های افراد حائز اهمیت است.

راه‌هایی از وضع موجود

برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که پاره‌ای از شرایط مشکل‌زا و نگران‌کننده، دغدغه‌های ذهنی متعددی برایشان به وجود آورده، به گونه‌ای که از آستانه تحمل و صبرشان فراتر رفته است، لذا تنها به دنبال روزهایی برای رهایی هستند. توضیحات برخی از افراد:

«دوست دارم از این زندگی مزخرف بیرون بیام، کمی به خودم برس، کمی لذت ببرم، خیلی وقتاً می‌خواستم به مسافرت برم و کمی حال و هوام عوض بشه، ولی نمی‌شد. آدم با هزار تا امید ازدواج می‌کنه. به نظرم وقتی هیچ انگیزه‌ای برای ادامه دادن نباشه، همون بهتر از زیر بار مسئولیت بیای بیرون.» (کد ۷)

اغلب افراد به علت اختلال در روابط زناشویی و سست شدن پیوندهای عاطفی، تمایلی به ادامه زندگی ندارند و طلاق را به منزله مسیری برای عبور از وضعیت نامساعد تلقی می‌کنند که از طریق آن بتوانند احساس منزلت و شخصیت خود را بازیابند.

«از اینکه همیشه همسرم منو با بقیه مقایسه کنه، حالم به هم می‌خوره. هر روز دارم خار و خفیف می‌شم. راستش مسئله اصلی من اینه که بهش اعتماد ندارم. اشتیاقی که برای بیرون رفتن و کارش داره، توی خونه نداره. دوست دارم هرچه سریع‌تر جدا بشم و به قول معروف از هفت دولت آزاد.» (کد ۱)

نبود تعادل بین زندگی شخصی و شغلی، به نوعی در دامن زدن به مشکلات و عدم تأمین احساس آرامش اثرگذار است، تا جایی که این امر، به انگیزه تصمیم‌گیری اتمام روابط زناشویی خواهد انجامید که از دیدگاه برخی از مصاحبه‌شوندگان، تنها راه خاتمه دادن به دغدغه‌های ذهنی آن‌ها محسوب می‌شود.

«من به زندگی آروم و بدون دغدغه رو می‌خوام. تمام وقت همسرم یا توی آرایشگاه می‌گذره، یا نوبت عمل زیبایی می‌گیره. حتی وقت‌هایی هم که خونه‌س، برای فالوورهاش پست می‌ذاره. روزا که مشغول کارم، شب‌ها هم باید خونه سکوت مطلق باشه تا لایو و پست همسرم تموم بشه. هرکس دیگه هم جای من بود کلافه می‌شد. حرفم این نیست که محدودش کنم، ولی فضای مجازی و کیفیت پیجش تمام اولویتشه. می‌خوام به این موقعیت خاتمه بدم.» (کد ۲)

طلاق؛ نقطه پایان زندگی

تعبیر طلاق به مثابه یک شکست جبران‌ناپذیر، توانایی تصمیم‌گیری صحیح را از افراد سلب می‌کند و نگرانی‌های روحی و روانی را برای برخی افراد به همراه دارد. به عبارتی، نپذیرفتن وضعیت به‌وجودآمده و ناتوانی در مدیریت عواطف و احساسات، ادامه مسیر زندگی آنان را با مشکل مواجه می‌کند.

برخی از پاسخ‌گویان طلاق را به منزله از دست دادن حمایت‌های اجتماعی، ناامیدی یا رسیدن به

بن‌بست زندگی می‌دانند. برای نمونه:

«وام ازدواجمون بعد از مدتی قسط‌هاش عقب افتاد، دیگه بمونه چقدر بدهی بالا آورد. ولی انگار نه انگار، کلاً آدم بی تفاوتی بود، مسئولیت حالیش نبود. به هر قیمتی نمی‌شه ادامه داد. می‌دونم وقتی مطلقه بشم، دیگه حتی خانواده‌ام هم مثل سابق حمایت نمی‌کنن و صد تا حرف باید بشنوم، ولی چاره‌ای ندارم.» (کد ۱۵)

برخی از مصاحبه‌شوندگان اتمام پیوند زناشویی را با داشتن فرزند، معضلی مضاعف در نظر می‌گرفتند. به عبارتی، طلاق را آغاز تمام مصائب و سختی‌های خود تعریف می‌کردند:

«اگه بخواد ازم جدا بشه، آبروم توی خانواده و فک و فامیل می‌ره. این‌همه برای زندگیم تلاش کردم، نمی‌تونم قبول کنم راحت همه چی از هم بپاشه. همه این‌ها به کنار، بچه‌ام رو چی کار کنم؟ سرنوشت اون چی می‌شه؟ می‌دونی، زندگی مثل بازی «دومینو» می‌مونه، وقتی یکی از قطعه‌ها بیفته تا آخر هرچی ساختی، نابود می‌شه.» (کد ۱۴)

نگاه واقع‌بینانه به طلاق

برخی افراد با درک موقعیت خود و طرف مقابل و نیز نگاهی منطقی به روند زندگی مشترک، طلاق را وسیله‌ای برای بهبود وضعیت زندگی خود تعبیر می‌کنند که سلامت جسمی و روانی زوجین را تضمین می‌کند. در این میان، برخی از مصاحبه‌شوندگان نگاه واقع‌بینانه‌ای به مسئله داشتند و با به‌کارگیری راهبردهای مختلف برای مدیریت مشکلات متعدد می‌کوشیدند:

«بعضی از اتفاقا دست آدم نیست. اون زلزله لعنتی کل زندگیمو خراب کرد. بعد قطع نخاع شدن همسرم، خیلی شرایط برام سخت شده. مجبورم طلاق بگیرم. چندین جلسه مطب مشاوره رفتیم. دارم سعی می‌کنم احساساتم رو مدیریت کنم.» (کد ۱۳).

برخی از پاسخ‌گویان معتقدند که پاره‌ای از اتفاق‌های پیش‌بینی‌نشده در زندگی، مانند نابرابری، احتمال بروز اختلاف‌ها را تشدید می‌کند؛ لذا در صورت افزایش دامنه نگرانی‌ها و تصادمات، باید به صورت منطقی بر ادامه یک رابطه پایان داد.

«نمی‌شد هر بار این جروب‌ها ادامه‌دار باشه. با خانواده‌ام صحبت کردم که بهتره توافقی از این زندگی بیام بیرون. بالاخره یه روزی باید از هم جدا می‌شدیم و هرکدوم مسیر زندگیمون رو می‌رفتیم.» (کد ۱۱)

می‌توان اذعان کرد افرادی که برای پایداری و انسجام خانواده اولویت ویژه‌ای قائل‌اند، به دنبال مهار کردن و مدیریت اختلاف‌های زندگی‌شان هستند و در نتیجه به‌آسانی قصد ترک کردن میدان خانواده را ندارند. به عبارتی، احساس عشق و تعلق به خانواده و باورهای مثبت به حفاظت از این نهاد، در تصمیم‌گیری زوجین در مواقع حساس و بحرانی نقش حائز اهمیت را ایفا می‌کند. در مقابل، افرادی که طلاق را به منزله راهی برای خاتمه دادن به نگرانی‌های خود در نظر می‌گیرند، زمان کمتری برای حل و رفع مشکلات اختصاص می‌دهند و تمایل به رهایی از وضعیت بسوز و بساز دارند و تنها راه‌حل اتمام اختلاف‌های روزمره خود را در روی آوردن به طلاق می‌دانند. البته در این میان، برخی از مصاحبه‌شوندگان، مسئله طلاق را معادل با محدودیت‌های مختلف (تعاملات و ارتباطات، طردشدگی، حذف حمایت‌های اجتماعی، ایفای نقش مضاعف در صورت داشتن فرزند و...) و مسدودیت راه پیشرفت در نظر می‌گیرند؛ بنا به دیدگاه برخی از افراد (نگاه واقع‌بینانه) در صورتی که ادامه زندگی مشترک برای زوجین مخاطره‌آمیز باشد، طلاق می‌تواند عاملی راه‌گشا تلقی شود.

نقش‌های مادرانگی و زنانگی، افزایش ساعات کاری و افراط در تعهد شغلی، چندگانگی و افزایش پذیرش سمت‌های مختلف و استرس‌های ناشی از آن به زندگی، اشتغال همسر به کارهای نامشروع.			
خودمحوری در تصمیم‌ها و اجرای آن، جمله: تصمیم به سقط جنین، ادامه تحصیلات تکمیلی، تغییر شغل و... ناتوانی در بارداری یکی از زوجین، تصمیم به ماندن در قهرهای طولانی‌مدت، تغییر چشمگیر در خلقیات، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی.	بعد فردی	روابط زوجین	تغییرات و ایجاد اختلال در روابط شبکه‌های
سلطه‌گری همیشگی مرد یا زن در محیط خانواده، اختلاف‌نظر شدید در انجام فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی. پایبند نبودن به قول و قرارهای اول ازدواج، خشونت و سوءاستفاده در روابط (کلامی، زبانی و رفتاری)، روابط فزاینده، قطع حمایت‌های مادی عاطفی در روابط، توجه محدود به همسر.	بعد اجتماعی		
تعاملات نامناسب با دوستان، ارتباط بیش از حد با دوستان، تأثیر از شبکه دوستان (سیگار کشیدن، بدبینی، بددهنی و...)، هم‌رنگی شدید با دوستان، اولویت تعامل با دوستان به خانواده، معاشرت با افراد ناپاب.	روابط با دوستان یا همکاران		
تعارض فرزندان با ناپدری یا نامادری، توهین به یکدیگر و قیاس با ازدواج قبلی، دخالت و پرسش ناپجا از دیگران و کنجکاوی بیش از حد درباره ازدواج قبلی، ایجاد مزاحمت‌ها توسط همسر سابق و آزار و اذیت روانی و احساس نامنی.	ازدواج قبلی (بازتاب روابط گذشته در زندگی فعلی)		
مسئولیت مراقبت از والدین در زمان پیری و مخالفت یکی از زوجین، اختلاف شدید با مادر شوهر، خواهر شوهر، دخالت ناپجا در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، اختلاف شدید در خانواده‌های زن و شوهر، به وجود آمدن تضاد ارزشی بین خانواده‌ها، وابستگی شدید زوجین به خانه پدری.	روابط با خانواده پدری		
اعتیاد و وابستگی شدید به فضای مجازی، تأثیرپذیری شدید از شبکه‌های آنلاین، توقع غیرواقع‌بینانه از همسر ناشی از تبلیغات رسانه‌ای، میل به مصرف‌گرایی در زوجین و خرج‌های بدون برنامه، از بین رفتن حریم خصوصی و نمایش زندگی شخصی.	نوع استفاده از شبکه‌های آنلاین در زوجین		
تعمایلات جنسی افسارگسیخته	تغییر در تمایلات جنسی		
عدم تعادل در روابط، سردمزاجی زن یا مرد، ناتوانی جنسی، بیماری‌های مقاربتی.	عدم رضایت در روابط		
کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی-مذهبی، تغییر دیدگاه و نگرش به دین و زندگی، عدم پایبندی به اخلاق، اهانت به مقدسات مذهبی.	تغییر در عقاید دینی و اخلاقی		
گرایش به زندگی مدرن، تغییر در نقش زنان و ورود به بازار کار، تغییر الگوهای ارزشی، بی‌بندوباری، تحمل‌پرستی و فشار به خانواده، مصرف‌گرایی بدون توجه به بودجه خانواده، تمایل شدید به عمل‌های زیبایی و تحمیل هزینه‌های بسیار بر خانواده، بازنگری در انتظارات، خوش‌گذرانی نامشروع.	تغییر در شیوه زندگی		
مهاجرت به خارج از کشور یا استان دیگر، تنش در تصمیم‌گیری در فروش املاک و ناراضی‌تایی یکی از زوجین از شهر، محله و... .	تصمیم به تغییر محل سکونت		
مرگ عزیزان و افسردگی طرفین، حوادث طبیعی (سایل، زلزله و...) و به دنبال آن از دست دادن دارایی.	عوامل طبیعی		
تصادف و آثار زاینبار آن (سلامت جسمی و روحی)، زندانی شدن یکی از زوجین و غیبت از منزل.	عوامل غیرطبیعی		
کسب ارث خانوادگی و به دست آوردن ثروت ناگهانی.	ثروت		
به دست آوردن موقعیت شغلی معتبر یا پست و مقام خاص (مدیریت نهادها و...)، ارتقا در سمت شغلی.	قدرت		
محبوبیت در بین مردم، شهرت فراگیر در زمینه مشخص (بازیگر شدن،	شهرت		

بلاگری، خوانندگی و...، دیده شدن و مطرح شدن یکی از طرفین و برانگیختن حساسیت طرف مقابل.		
بروز وسواس شدید، عزت نفس پایین، توقعات بیجا و عدم تعهد، چشم و هم‌چشمی، خودمختار بودن یا خودرأی بودن)	نمایان شدن شخصیت نامتوازن و نابهنجار	استحاله ارزشی

۱. **تغییر در وضعیت سلامت:** سلامت جسمی و روانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ازدواج پایدار در نظر گرفته می‌شود. سلامت جسمی بدن به همراه آرامش فکری، ارتباط مسالمت‌آمیز زوجین را گسترش می‌دهد و سازگاری و تعامل مثبت را در روابط آن‌ها تا حد قابل توجهی تضمین می‌کند. لذا تغییرات ناگهانی در این زمینه، زوجین را با آسیب‌های جدی مواجه می‌کند. به بیان برخی از مشارکت‌کنندگان:

«از این جملات متنفرم. هنوز توی گوشم صداشون می‌پیچه: «منم حق دارم پدر بشم»، «تا کی پول دکتر بدیم»، «این همه مال و اموال رو بعداً مردم می‌خورن». باید از این زندگی خفت‌بار بیام بیرون. دائم بهم سرکوفت می‌زدن که فلانی چند تا بچه داره. هزار داستان سر من بیچاره در میاوردن، خانواده شوهرم همش توی گوش شوهرم می‌خوندن هرچی درمیاری، می‌دی هزینه دکتر. همسرم خیلی باهام سرد شده.» (کد ۱۱). گاهی این مسئله به حدی شدت می‌یابد که ماندن در موقعیت برای طرف مقابل مخاطره‌آمیز شناخته می‌شود:

«متوجه شدم که همسرم درگیر اعتیاد شده. وقتی مواد بهش نمی‌رسید، عین یه روانی می‌شد. منو کتک می‌زد. وسایل خونه رو می‌شکست. نمی‌دونم چی مصرف می‌کرد، به شدت توهمی شده بود. جایی می‌رفت، در رو قفل می‌کرد.» (کد ۱۵).

۲. **تغییر در وضعیت اشتغال:** نوع شغل و تأمین مایحتاج خانواده (با کسب درآمد حلال و مشروع) در کیفیت زندگی مطلوب و رفع بسیاری از اختلاف‌های خانواده نقش قابل توجهی را ایفا می‌کند. روابط آمیخته با آرامش و آسایش و به دور از تنش‌های شغلی در خانواده، علاوه بر رفاه مادی، امنیت روانی را برای تمام اعضای خانواده به همراه دارد. استقلال در درآمد و همچنین میزان درآمد قابل قبول و مشروع، برنامه‌ریزی، مدیریت صحیح در مخارج، تداوم خانواده متعادل را به ارمغان می‌آورد و پایداری روابط زوجین را سبب می‌شود. بنا به توضیحات برخی از مصاحبه‌شوندگان، نداشتن استقلال و وابستگی مالی به خانواده پدری و بی‌تفاوتی در پیدا کردن شغل مناسب، به روی آوردن به طلاق منجر شده است.

«یه مدت بوتیک لباس بچگانه زد، خیلی ضرر کرد و جمعش کرد. بعد از اون دیگه به هیچ کاری دست نزد. با یارانه و کمک پدرومادم زندگی رو به‌زور می‌گذروندیم.» (کد ۱۵).

گاهی شغل یکی از طرفین، استرس و فشارهای روانی را به خانواده تحمیل می‌کند و به تشنج فکری اعضای خانواده منجر می‌شود:

«به خاطر مشغله کاری اصلاً به من و حتی به بچه نمی‌رسه؛ با کارش ازدواج کرده، نه با من.» (کد ۴). می‌توان گفت تغییر در وضعیت شغلی به نحوی است که حضور زوجین را در کنار یکدیگر با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند. بنا به توضیحات یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«همسرم نظامی بود. بعد از مدتی به خاطر شغلش مجبور شد منطقه مرزی خدمت کنه؛ واقعاً نتونستم دوام بیارم. خیلی برام سخت بود که دور از خانواده پدرم و در جایی با امکانات محدود باشم.» (کد ۵).

گاهی یکی از زوجین با وجود درآمد قابل توجه، از بسیاری از مقررات و ارزش‌های اخلاقی تخطی می‌کند و طرف مقابل حاضر به مصرف مال حرام و نامشروع نمی‌شود. اما زوج تخطی‌کننده با وجود مخالفت‌های بسیار، حاضر به ترک شغلش نمی‌شود و درنهایت، به تصمیم طلاق منتهی می‌شود.

«بعد از ورشکستگی، همسر برای جبران سرمایه‌ای که نابود شد زد توی کار قاچاق؛ خیلی التماسش کردم که این کار رو کنار بذاره، ولی گوش نداد. چندین مرتبه زندان افتاد؛ دیگه نمی‌تونم تحمل کنم.» (کد ۹).

عدم رضایت از محیط شغلی همسر و بُعد مسافت آن، مشکلات بسیاری را برای اعضای خانواده به وجود می‌آورد که نگرانی و عدم اعتماد بر این موضوع دامن می‌زند و درنهایت تردید و دودلی و شک، فرد را به ورطه طلاق می‌کشاند.

«راضی نبودم از اول که خانوم سر کار بره. استرس بچه‌ام رو از ازدواج قبلی داشتم. حتی روز اول هم بهش گفتم، ولی بعداً همش اصرار می‌کرد که نمی‌تونه همه‌ش توی خونه اسیر باشه. آخرش توی یه شرکت استخدام شد. توی کار انجام‌شده منو قرار داد. بیشتر اوقات دخترم رو پیش مادرم می‌بردم، شرایط آزاردهنده‌ای بود؛ دلیل اصلی مخالفت من این بود که محیط کارش مردانه بود. نمی‌خواستم اونجا کار کنه.» (کد ۱۰).

۳. اختلال در روابط شبکه‌ای

تغییر در روابط شبکه‌ای: تنظیم روابط میان زوجین به گونه‌ای شایسته و باتوجه‌به حقوق یکدیگر به حفظ چارچوب‌های یک ازدواج پایدار و موفق کمک می‌کند. این امر با در نظر داشتن احترام متقابل، مشارکت در امور، نوع برخورد و تصمیم‌گیری مناسب در مواقع بحرانی، مانند سپر مقاومتی در برابر امر طلاق می‌ایستد. توجه به شبکه روابط، تنها به تعامل زوجین خاتمه نمی‌یابد و موارد متعددی را دربرمی‌گیرد. برای مثال افراط و تفریط در روابط با خانواده پدری بعد از ازدواج، و دخالت‌های نابجا و غیرمنطقی در برنامه‌های مختلف زندگی، به افزایش مشاجره‌ها و درگیری‌ها می‌انجامد.

«باورکن (خطاب به پژوهشگر) همین نزدیکی به خونه پدرش، زندگی ما رو خراب کرد. توی کوچیک‌ترین تصمیم‌گیری زندگی‌مون دخالت می‌کردن.» (کد ۱۶). و یا در موردی دیگر: «خودش هرچی ریخت‌وپاش می‌کرد، انگار نه انگار، ولی تا پدرم برای کار دکترش از شهرستان میومد خونه‌مون، زندگی رو واسم جهنم می‌کرد.» (کد ۶)

باید در نظر داشت دوستان و همکاران از دیگر شبکه‌های اجتماعی هستند که در محیط آنلاین (دنیای مجازی) یا در دنیای واقعی می‌توانند عقاید و باورهای زوجین یا حتی اولویت‌های طرفین را درباره موضوعات مختلف تغییر دهند. برقراری و تداوم ارتباط با دوستان ناسالم دوران مجردی، به کاهش اهمیت قداست خانواده می‌انجامد. این‌گونه روابط فرد را به حیطه فردگرایی سوق می‌دهند و به عبارتی، مسئولیت‌های خطیر مهم زندگی مشترک را در اعتقادات فرد کم‌رنگ می‌کنند.

«همسر با دوستای دوران مجردی دوره‌می‌های مختلفی می‌رفت، حتی بعضی از اونا مختلط بود. کارمون به دعوا و جروبحث می‌کشید. چندین بار قهر کردم، ولی فایده نداشت. هر دفعه همون آش و همون کاسه.»

(کد ۱)

در برخی موارد مشاهده شده است که پیامدهای ازدواج قبلی صدمات جبران‌ناپذیری به خانواده وارد می‌کند.

«هرکدام از ازدواج قبلی یک فرزند داشتیم. اوایل ازدواجمون یادمه کل جروبحث‌هامون به خاطر بچه‌ها بود.» (کد ۹).

داشتن فرزند از ازدواج قبلی یا رفتارهای انتقامی همسر سابق و همچنین آزارواذیت‌های وارده از طرف خانواده او در محیط محله و کار و... می‌تواند منجر به نارضایتی یا فروپاشی اعتماد در روابط طرفین شود. بنا به توضیحات یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«همسرم، ظاهراً، فرزندم رو از ازدواج قبلی پذیرفته بود، ولی بهش رسیدگی نمی‌کرد، نه به نظافتش و نه تربیتش و نه وضعیت درس و مدرسه‌اش.» (کد ۱۰). گاهی چالش در تعامل‌ها و روابط با همکاران بر زندگی شخصی افراد اثر نامطلوبی را بر جای می‌گذارد، برای نمونه:

«تلفن‌های مشکوکی داشت. این قضیه خیلی رو اعصابم بود.» (کد ۱۴).

در جامعه امروز، روابط زوجین تحت‌تأثیر شبکه‌های آنلاین قرار گرفته است. اعتیاد به فضای مجازی و گسترش روابط بی‌مرز در دنیای مجازی، سبب کاهش طول مدت ازدواج می‌شود.

«وقتی هم خونه بود، همش سرش توی گوشی بود و مشغول اینستاگرام، یا درحال چت کردن که خدا می‌دونه با کیا چت می‌کرد. صد مرتبه صداش می‌زدم تا یه بار جواب آدمو می‌داد.» (کد ۱). اثرپذیری بیش از حد از تبلیغات مصرفی شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبب گرایش شدید به دنیای مد و رشد تجمل‌گرایی در افراد می‌شود و ضمن هدررفت سرمایه‌های اقتصادی خانواده، ناامنی روانی را ایجاد می‌کند.

«آن‌قدر بلا سر صورتش آورده بود که از حالت طبیعی خارج شده بود. یا ژل تزریق می‌کرد یا کاشت گونه، یا کاشت ناخن، یا کاشت مژه. هرجایی یه تبلیغ می‌دید، سریع انجامش می‌داد. دیگه کلافه شدم. جالب این بود نظر منو نمی‌پرسید. یعنی براش مهم نبود.» (کد ۴).

۴. تغییر تمایلات جنسی و عدم رضایت: رضایت از روابط جنسی به آرامش و انسجام در محیط خانواده می‌انجامد. به عبارتی، اختلال در روابط یا کاهش میل جنسی و همچنین انواع بیماری‌های مقاربتی تجربه‌های ناخوشایندی برای طرفین به وجود می‌آورد و صمیمیت و کیفیت در روابط را کاهش می‌دهد. از آنجاکه این امر یکی از نیازهای آدمی محسوب می‌شود، توجه به آن سبب پایداری در ازدواج می‌شود.

«حتی اوایل ازدواجمون هم علاقه‌ای به برقراری رابطه نداشت. خیلی سردمزاج بود. حتی پیش می‌ومد هفته‌ای یک بار هم با هم رابطه نداشتیم. پیش دکتر هم رفتیم، ولی زیاد مؤثر نبود. بیشتر شبیه هم‌خونه بودیم.» (کد ۱۰). و یا در موردی دیگر:

«کمی افسردگی داشت. یه ذره رغبت رو توی رابطه ازش نمی‌دیدم. انگار ناچار بود بودن منو تحمل کنه. وقتی احساس یک‌طرفه باشه، خیلی دردناکه. برام سخته اینا رو می‌گم. عاطفه و حس زنانگی‌ام خرد شد. هر بار احساس می‌کردم تحقیر شدم.» (کد ۱۱)

۵. تغییر در سبک زندگی: تغییر بنیادی در اعتقادات و باورهای دینی یکی از زوجین، سبب آشفتگی و نگرانی می‌شود و در نتیجه به تخریب بعد اعتماد متقابل و کاهش هم‌بستگی زن و مرد می‌انجامد.

روی آوردن به زندگی مدرن و توجه صرف به مدگرایی و تقلید از سبک زندگی سلبریتی‌ها، پایه‌های زندگی زناشویی را سست می‌کند.

«از وقتی که معروف شد، همش دنبال خرید بود. هر بار که بیرون می‌رفت، چند تا ادکلن گرون قیمت و لباس‌های برند می‌خرید. می‌گفت من دیگه نمی‌تونم با لباس‌های تکراری توی مراسم‌ها شرکت کنم.» (کد ۱)

روی آوردن زنان به عمل‌های جراحی زیبایی غیر ضروری، از جنبه‌های فردی و اجتماعی آسیب‌زا تلقی می‌شود و پایه‌های سلامت اجتماعی و روانی بنیان خانواده را دچار تزلزل می‌کند.

«با سختی اجاره‌خونه رو درمیآوردم. روز و شب کار می‌کردم، ولی همش آب در هاونگ کوبیدن بود. زنم همه‌ش دنبال عمل‌های جراحی زیبایی بود. باور کن (خطاب به پژوهشگر) به وام گرفتیم نصفشو دادیم هزینه عمل بینی.» (کد ۲).

چشم و هم‌چشمی و مصرف‌گرایی و برگزاری مهمانی‌های پرتجمل به اقتصاد خانواده آسیب می‌زند و منجر به اختلال در روابط می‌شود.

«من راضی نبودم همسر من این همه دنبال مهمونی گرفتن و ارتباط با به سری از خانواده‌ها باشه. گفتم اینا فردا طعنه مدل لباس و طلا و صد تا بدبختی دیگه می‌زنن و زندگیمونو خراب می‌کنن. بعد از هر مهمونی، تازه دعوای ما شروع می‌شد.» (کد ۶).

۶. تغییر و جابه‌جایی محیط زندگی: نداشتن اتفاق نظر زوجین درباره تغییر مکان زندگی یا محل کار و در پی آن گسترش اختلاف نظر بین زن و شوهر، می‌تواند آنان را به وادی طلاق و جدایی بکشاند.

«همش اصرار می‌کرد بریم تهران. می‌گفت اونجا کار می‌کنم وضع زندگیمون خوب می‌شه. خب آخه بدون هیچ سرمایه و پشتوانه‌ای چطور می‌رفتیم تهران؟ چطور خونه اجاره می‌کردیم؟ مگه الکی بود. تازه گفتم اونجا خرج زندگی هم بالاس. گفتم برو یکی از شهرستان‌های نزدیک کار کن، ولی اصلاً اهمیت نمی‌داد. انگار اونجا پول ریختن و باید می‌رفتیم جمعش کنیم.» (کد ۷).

گرچه تغییر مکان زندگی برای بهبود وضعیت درآمد راهی برای ارتقا و بهبود سطح کیفیت زندگی محسوب شود، اما در صورتی که این امر با اختلاف نظر زوجین همراه باشد، بر دامنه مشکلات خواهد افزود.

«خانواده پدر همسر بعد از چند سال تصمیم گرفتن به خارج از کشور مهاجرت کنن. بعد مدتی همسر پاشو توی یه کفش کرد که آلا و بلا ما هم باید بریم. آینده‌مون اونجا تضمین می‌شه و هزار جور از این حرفا؛ موافقت نکردم. هیچ‌جایی مملکت خود آدم نمی‌شه.» (کد ۱۲).

تصمیم‌گیری‌های عجولانه و طبعاً از روی احساس و بدون برنامه‌ریزی مناسب برای تغییر مکان زندگی، پیامدهای ناگواری را برای پایداری رابطه به همراه خواهد داشت.

«می‌خواست به کل زندگیمون چوب حراج بزنه. می‌گفت خونه، مغازه و زمین‌های کشاورزی رو بفروشیم بریم خارج از کشور زندگی کنیم.» (کد ۴).

۷. بروز حوادث غیرمترقبه: مدیریت صحیح زندگی توسط زوجین و برنامه‌ریزی توأم با آن، در اقتدار و پایداری خانواده سالم امری مهم است. اما گاهی حوادث غیرقابل پیش‌بینی سبب بروز آشفتگی‌های متعدد در زندگی می‌شود. بروز حوادث طبیعی و از دست دادن سرمایه‌های زندگی مانند سرمایه مالی، فرزند و ... و

اتفاق‌های ناگوار پیش‌بینی‌نشده صدمه‌های جبران‌ناپذیری را بر روند طبیعی زندگی وارد می‌کنند. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از گزارش‌های زوجین از مضمون مذکور است.

«کارگر ساختمون بود. یه زندگی بخورونمیری داشتیم. ولی راضی بودم. هیچ وقت شکایت پیشش نمی‌کردم. وقتی خبر آوردن که از داربست افتاده، دنیا روی سرم آوار شد. به خدا خیلی دوش داشتم. دیگه نمی‌تونست راه بره (با بغض) بعد از چند سال به اجبار خانواده تصمیم به طلاق گرفتم.» (کد ۳).

«بعد از زلزله (سرپل ذهاب) دیگه طعم خوش زندگی رو ندیدم. همسرم بعد از اینکه خانواده‌اش رو توی حادثه از دست داد، شوک عصبی سختی بهش وارد شد و نتونست به زندگی عادی خودش برگردد.» (کد ۱۳).

۸. تغییر ناگهانی در منزلت: هرگونه تغییر ناگهانی در وضعیت افراد (ثروت، قدرت، شهرت) سبب بروز

بی‌نظمی در فضای خانواده می‌شود و کانون خانواده را به میدان مبارزه سوق می‌دهد.

«وقتی وارد زندگیم شد، حتی لیسانسش رو هم نگرفته بود. من حمایتش کردم، کمکش کردم بالا بره، حالا ما رو آدم حساب نمی‌کنه. اصلاً هیچی حساب می‌کنه. تقصیر اون نیست، دستم نمک نداره.» (کد ۱۴). اگر ارتقای جایگاه شغلی با احساس غرور کاذب یا خودبرتربینی به شریک زندگی همراه باشد، زنگ خطر فروپاشی خانواده را به صدا در خواهد آورد.

«فکرشو نمی‌کردم به این آسونی خودشو گم کنه. اول که با هم ازدواج کردیم، یه کارمند معمولی بود. خیلی خوش حال شدم وقتی که ارتقا گرفت. ولی بعد یه مدت زمین تا آسمون اخلاکش عوض شد. می‌خواست توی هر تصمیمی حرف خودشو به کرسی بنشونه.» (کد ۸)

«برام سخت بود همسرم دائم فیلم و عکس از خودش بزاره اینستاگرام. خیلی فالوورهای پیچش بالا رفت و معروف شد. همه حواسش به اینستاگرام بود. براش کل زندگیش بود. مخالفت کردم. خانواده پدرش هم مخالف بودن، ولی می‌گفت اصلاً نمی‌خوام جایگاه اجتماعی و طرفدارهامو از دست بدم.» (کد ۲).

از سوی دیگر، در اثر تغییرات ناگهانی در موقعیت، روابط اعضا خدشه‌دار می‌شود و صمیمیت را از بین می‌برد. بنا به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«اول، زندگی ساده‌ای داشتیم. با هر شرایطی خودمون رو وفق می‌دادیم. همدیگر رو عاشقانه دوست داشتیم. بعد از اینکه کارش گرفت و آهنگ‌هاش خیلی پرطرفدار شد، اوضاع زیور رو شد. جاهای مختلفی دعوت می‌شد. همه باهاش عکس می‌گرفتن. دائم منو با اطرافیان مقایسه می‌کرد. خیلی احساس حقارت می‌کردم.» (کد ۱).

۹. تغییر ناگهانی در ویژگی‌های اخلاقی: گاه زوجین بعد از گذر مدت کوتاهی از زندگی، متوجه بروز

تغییرات قابل توجهی می‌شوند و در برخی از موارد پذیرش آن را تحمل‌ناپذیر می‌دانند. بروز رفتارهایی همچون وسواس فکری عملی، شکاک بودن، اضطراب شدید و... آرامش را در محیط خانواده با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌کند. به بیان برخی از مصاحبه‌شوندگان:

«بعد از ازدواج، همسرم اخلاق و رفتارش صد درجه عوض شد. دائم با جاری‌هاش خودشو مقایسه می‌کرد. می‌گفت از برادرت یاد بگیر، ببین زنش کلی طلا داره. مسافرت‌هاشون رو به رخ می‌کشید. شاید باورت نشه، به خاطر متانتش باهاش ازدواج کردم. نمی‌دونم چرا دنیاش زیور رو شد.» (کد ۶).

«به شدت وسواس فکری عملی داشت. حتی همه فامیل دیگه می‌دونستن. لباس‌های توی کمد رو بدون اینکه استفاده کرده باشیم، چندین مرتبه می‌شست. بعضی وقت‌ها بعد از اینکه از ماشین لباس‌شویی درمیآورد، دوباره می‌شست. توی خونه نمی‌تونستم راحت بشینم. همیشه به دستمال دستش بود و در حال نظافت یا ایراد گرفتن از من.» (کد ۱۶).

گرچه بروز تغییرات متعدد و گاه بحران‌زا در زندگی مشترک می‌تواند به‌تنهایی مشکلات بسیاری را برای زوجین به بار آورد، اما باید در نظر داشت که تنها عوامل بیرونی منجر به تصمیم‌گیری زوجین به ترک زندگی نمی‌شود، بلکه در کنار این عوامل باید ابعاد ذهنی یا به عبارتی نوع نگرش افراد به مسئله (طلاق) در نظر گرفته شود تا با اخذ تصمیم‌های صحیح به انسجام خانواده کمک کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، وظیفه حفاظت از وضعیت سلامت جسمی و روانی افراد را بر عهده دارد تا با تربیت انسان‌های شایسته در پیشبرد جامعه‌ای سالم گام بردارد. چه‌بسا این نهاد می‌تواند با عملکرد مثبت خود، در ارتقای سرمایه‌های اجتماعی هر ملتی، نقش حائز اهمیتی بازی کند. بنابراین برقراری روابط صمیمی بین زوجین به عنوان عنصر اصلی و هسته‌ای خانواده در پی‌ریزی بنای مستحکم آرزوها و آرمان‌های فرزندان و حتی خود آنان مؤثر است، و بروز مشکلات پیش‌بینی‌نشده نیز می‌تواند دغدغه‌های بی‌شماری را در روابط اعضای خانواده به وجود آورد؛ حتی در مواردی زوجین را به وادی ناخوشایند و رنج‌آور طلاق می‌کشاند. این مطالعه به منظور دستیابی به درک و فهم عمیق‌تر از بروز تغییرات در روند زندگی مشترک و نوع نگرش زوجین متقاضی طلاق به صورت کیفی انجام شده است. مصاحبه‌شوندگان دیدگاه‌های متعددی در خصوص بروز تغییرات در جریان زندگی مطرح کردند که سبب آشفتگی زندگی زناشویی آن‌ها شده است؛ البته نگرش زوجین به طلاق در درک زوجین از موقعیت یکدیگر یا تصمیم به ترک زندگی اثرگذار است. بنا بر نتایج حاصل از پژوهش، شکندگی در روابط به دلایل متعددی بروز می‌یابد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عواملی نظیر تغییر در وضعیت اشتغال، خلل در روابط شبکه‌ای (خانواده، دوستان، آشنایان، همکاران و...)، تغییر در وضعیت سلامت جسمی و روانی، تغییر در وضعیت منزلت در ابعاد مختلف مانند ثروت، قدرت، اعتبار، تصمیم به مهاجرت یکی از زوجین، اختلال در روابط جنسی و... اشاره کرد. اگرچه بروز تغییرات در روند زندگی، معمولاً عادی نگریسته می‌شود، اما برخی از تغییرات به‌وجودآمده، از آستانه تحمل افراد فراتر می‌رود، به بی‌سازمانی در محیط خانواده منجر می‌شود و در نتیجه اساس و بنیان خانواده را دچار تزلزل می‌کند. می‌توان اذعان کرد، عوامل مذکور میزان نارضایتی زوجین را افزایش می‌دهد و از میزان تاب‌آوری آن‌ها برای حل مسائل می‌کاهد. چرخه ناتوانی در رفع مشکلات و تمایل به رفتارهای انتقام‌جویانه، یا برعکس، تسلیم شدن در برابر مسائل موجود، پیشامدهای زندگی را به انبوهی از مشکلات تبدیل خواهد کرد که پایان آن راهی جز ترک زندگی مشترک نخواهد بود. بنا به توضیحات پاسخ‌گویان، خلل در روابط شبکه‌ای، به ویژه بروز روابط فرزندناشویی، خشونت و اختلاف‌نظرهای شدید از عوامل مهم دل‌مشغولی‌های زوجین محسوب می‌شود و آن‌ها را به سمت وسوی طلاق می‌کشاند. در دیدگاه دور‌گیریم، خانواده از نظر تحلیلی در راستای حفظ نظام، هم‌بستگی اجتماعی مورد توجه

قرار می‌گیرد. به بیان وی خانواده موجب تقویت هم‌بستگی اجتماعی در جامعه می‌شود و دارای کارکرد مثبت در جهت حفظ نظام و سازمان اجتماعی است. در مقابل، گسترش طلاق و افزایش آن در سطح وسیع، انسجام اجتماعی را در سطح کلان به هم می‌زند و در سطح خرد نیز به بی‌سازمانی خانوادگی منجر می‌شود و کارکرد خانواده و جامعه را با اختلال مواجه می‌کند (عبدالرسولی و همکاران، ۱۴۰۱).

به علاوه، در خصوص تغییر و تحولات پیش‌آمده در روند زندگی، می‌توان به نظریه «دوره‌های زندگی»^{۲۱} اشاره کرد. گلن الدر^{۲۲} پیش‌گام نظریه مسیر زندگی، روشی برای بررسی زندگی فردی ارائه کرده است که تحت‌تأثیر دوره رشدی، تاریخی و نیز ارتباط زندگی‌های به‌هم‌وابسته در طول زمان است. اِدر معتقد است که همه مردم مسیرهای زندگی مشخص و استاندارد شده‌ای را دنبال نمی‌کنند. تفاوت‌های فردی موجب می‌شوند برخی از افراد از فرصت‌های موجود در شرایط اجتماعی‌شان استفاده بهینه کرده و همچنین بر اوضاع نابه‌سامان ناشی از فشارها و محدودیت‌های اجتماعی به طور مؤثر غلبه کنند. عاملیت و هدف‌مندی در پیش‌بینی گذرگاه‌های بعدی مسیر زندگی اهمیت دارند. نظریهٔ مسیر زندگی (خانوادگی) که به نظریهٔ چرخه زندگی هم ترجمه می‌شود، یکی از نظریه‌های مطرح در زمینه خانواده است. به عبارتی، می‌کوشد که تغییرات در خانواده‌ها را توضیح دهد؛ یعنی گروه اجتماعی خاص (خانواده) و تغییرات در آن، محور تحلیل است. تغییر در یک عضو از خانواده تغییر در اعضای دیگر را به دنبال دارد. بنابراین تفاوت در نوع نگاه افراد به معنی طلاق در تصمیم‌گیری آنان در اقدام به طلاق اثرگذار خواهد بود، لذا مواجهه آن‌ها با تحولات مختلف دوره‌های زندگی با یکدیگر متفاوت است.

بنابراین باتوجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، در واکاوی اقدام به اخذ طلاق، تنها نمی‌توان به شناسایی بسترهای نامطلوب زندگی کفایت کرد، بلکه در کنار زمینه‌های نامساعد، شناخت جوانب دیگر از این مسئله الزامی است. در این میان، می‌توان به نوع برداشت افراد از مسئله طلاق اشاره کرد. هر اندازه احساس تعلق و نیز باور به انسجام و حفظ خانواده در اندیشه فرد غنی باشد، می‌تواند به بروز تغییرات پیش‌بینی‌نشده (یا رخدادهای ناگهانی) عکس‌العمل صحیح نشان دهد و در وهله اول، با راهبردهای حل مسئله در مدیریت مشکلات اقدام کند تا از فروپاشی بنیان خانواده جلوگیری شود. گرچه آنچه در دنیای امروز نهاد خانواده را با تهدید اساسی مواجه می‌کند، اختلال در روابط شبکه‌ای (آنلاین و آفلاین) است. بروز مشکلات در روابط (زوجین، دوستان، خانواده پدری و...) و همچنین اعتیاد به فضای مجازی و تأثیرپذیری بیش از حد از آن، منجر به شکستن حریم و حرمت‌ها، افزایش درگیری‌های کلامی رفتاری و نیز جاری شدن سیلی از سوء تفاهم‌ها در روابط می‌شود. لذا تلاش برای بهبود مدیریت و تنظیم روابط در شبکه‌های اجتماعی متعدد، امری خطیر در پایداری سلامت خانواده و حفظ آن قلمداد می‌شود.

نتایج این تحقیق را می‌توان با یافته‌های مطالعه تاج‌بخش (۱۴۰۰) در خصوص اختلال در روابط شبکه‌ای بین اعضا از جمله خیانت، سردی روابط، دخالت‌های بی‌جای خانواده و... نیز همسو لحاظ کرد. همچنین می‌توان نتایج پژوهش را با یافته‌های شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه بسترهای نامساعد اقتصادی و اجتماعی مؤثر در اقدام به طلاق و یافته‌های ابراهیمی‌منش (۱۳۹۵) در ارتباط با ناکارآمدی الگوهای ارتباطی و نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض در روابط هم‌راستا در نظر گرفت. علاوه بر پژوهش‌های داخلی، نتایج را می‌توان با پژوهش گونای و همکاران (۲۰۱۹) در زمینه‌های ناسازگاری‌های مزاج، خشونت از سوی همسر و

انجام ندادن مسئولیت‌ها و نیز اثر الغرایبه (۲۰۱۸) در زمینه‌های اختلال در روابط زوجین، مشکل در تعامل‌های خویشاوندی و نوع نگرش زوجین به طلاق و تحقیق خان و همکاران (۲۰۱۹) در رابطه با اختلال‌ها در روابط شبکه‌ای، خشونت جنسی و پژوهش فورا (۲۰۱۸) به دلیل مؤثر بودن عواملی چون از دست دادن شغل و خیانت، ناسازگاری جنسی، به دام افتادن در اعتیاد به مواد مخدر، در تصمیم به طلاق زوجین همسو تلقی کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که بسترهای بیرونی و نیز نگرش‌های ذهنی نیز هر کدام می‌تواند سبب بروز مشکلات گسترده در محیط خانواده شود؛ لذا توجه به جوانب متعدد مسئله الزامی است.

بدون تردید می‌توان گفت که با آموزش صحیح مهارت‌های لازم برای مدیریت خانواده (قبل و در حین ازدواج) می‌توان تا حدودی پیامدهای ناشی از تغییرات به‌وجودآمده در زندگی را مدیریت کرد و در مواردی سازگاری نشان داد تا از طلاق جلوگیری شود. همچنین می‌توان به نقش دولت در بهبود کیفیت برنامه‌های رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کرد، به گونه‌ای که با افزایش کمی و بهبود کیفی برنامه‌های مشاور خانواده با موضوعات مختلف، می‌توان در آگاهی‌بخشی به جوانان و ارتقای توانمندی‌های آنان در حفظ یک خانواده سالم و مدیریت روابط در حین مشکلات و رخدادهای ناگهانی تأثیر مثبتی بر جای گذاشت. علاوه بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی^۳، انتظار می‌رود که مشاوران و مددکاران اجتماعی به عنوان «راهنماهای مؤثر مداخله‌گر» پیش از طلاق (با همکاری نهادهای مختلف)، در حمایت و هدایت زوجین به مسیر صحیح و کمک به آنان در رفع مشکلات و تصمیم‌گیری منطقی یاری رسانند. بنابراین تقویت و گسترش مراکز مشاوره وابسته به دادگاه‌های خانواده و الزام زوج‌های متقاضی طلاق به گذراندن جلسه‌های مشاوره پیش از طلاق، ارتقای کیفی محتوای جلسه‌های برگزارشده در مراکز مشاوره و ارائه خدمات جامع سلامت به زوجین و... می‌تواند در حفاظت از نهاد مقدس خانواده مؤثر واقع شود. همچنین لازم است در این زمینه تحقیقات و مطالعات گسترده‌تری صورت گیرد تا بتوان به تفکیک (گروه‌های سنی مختلف)، برداشت و فهم افراد را از مفهوم طلاق بر مبنای تجارب زندگی شخصی آن‌ها درک کرد و دریافت که چه سازوکاری می‌تواند برداشت ذهنی آنان را در ماندن و ادامه رابطه زناشویی یا ترک زندگی مشترک برانگیزاند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم تعمیم یافته‌ها، دسترسی نداشتن کامل به برخی از مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های لاتین و نیز جلب رضایت افراد متقاضی طلاق به انجام مصاحبه (به دلیل وضعیت نامساعد خانوادگی) اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Fura
2. Chakravorty & et all
3. Al Gharaibeh
4. Waluya
5. Dagnew & et all
6. Zahl-Olsen
7. Yeshiwork
8. Mufliq Khatul Ngulya & et all
9. Günay
13. Leopold
14. Mortelmans
15. Khan & et all
16. Phenomenological Approach
17. Colaizzi
18. Maxqda
19. Horizontalization
20. Meaning Units
21. Life Course

10. Lebow
11. Smith-Etxeberria & et all
12. Dewi
22. Glen H. Elder
23. Virtual Social Networks

منابع

- ابراهیمی‌منش، م. (۱۳۹۵). کاوشی در فرایند وقوع پدیده طلاق؛ ارائه یک نظریه زمینه‌ای، پایان‌نامه مقطع دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- بیگی، ج. و خدادادی، ر. (۱۴۰۰). ارزیابی تأثیر طلاق بر بزه‌دیدگی زنان شهر تبریز، مطالعات زن و خانواده، ۹(۱)، ۹-۳۶.
- یری، ص، نیازی، م، پیری، ح. و خوشرو، ز. (۱۳۹۹). طلاق‌های زودهنگام تلاشی برای انتظار از فشارهای اجتماعی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۷۳-۴۱.
- تاجبخش، غ. (۱۴۰۰). واکاوی عوامل فرهنگی مؤثر بر وقوع طلاق با کاربست روش کیو، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۲(۴)، ۱-۲۳.
- درگاهی، ح، قاسمی، م. و بیرانوند، ا. (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان، اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهید بهشتی، ۹(۴)، ۹۵-۱۲۰.
- دهدست، ک. و قبادی، ش. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک مطالعه فراتحلیل کیفی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۳)، ۱۵۸-۱۲۱.
- رضایی‌نسب، ز. (۱۴۰۰). فرایند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام، مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۲۹۹-۳۳۲.
- سال‌نامه‌های آماری استان کرمانشاه (۱۳۹۵-۱۴۰۰)، آمارهای ثبت‌شده طلاق و ازدواج.
- شاه‌بختی، ز، شفیق‌آبادی، ع، حسنی، ج. و جاجرمی، م. (۱۳۹۷). طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده‌بنیاد، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۵(۱۵)، ۲۷۸-۲۳۹.
- عبدالرسولی، ر، ادریسی، ا. و آزادارمکی، ت. (۱۴۰۱). تبیین طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی دورکیم در شهروندان متأهل شهر کرج، روان‌شناسی فرهنگی، ۶(۱)، ۳۳۲-۲۹۹.
- کرسول، ج. (۱۴۰۰). پویای کیفی و طرح پژوهش، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، چ ۵، تهران: صفار. مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۸۵.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، قم: لوگوس.
- محمودزاده مرقی، ع، میراسکندری، ف. و فرید، م. (۱۴۰۰). مدل‌سازی معادلات ساختاری گرایش به طلاق با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض و حل مسائل زندگی زناشویی، تحقیقات علوم رفتاری، ۱۹(۱)، ۴۴-۳۵.

Abdolrasouli, R., Edrisi, A. & Azadarmaki, T. (2022). Explaining Divorce with Durkheim's Social Anomie Approach in Married Citizens of Karaj. *Cultural Psychology*, 6(1), 299-332 [in Persian].

Al Gharaibeh. F. M. (2018). Causes of Early Divorce as Perceived by Young People in Sharjah: A Field Study, *European Journal of Social Sciences*, 56(1), 49-64.

Beigi, J. & Khodadadi, R. (2021). Assessing the Effect of Divorce on the Victimization of Women Tabriz City, *Journal of woman and family studies*, 9(1), 1-28 [in Persian].

- Chakravorty, S., Goli, S. & James, K. S. (2021). Family Demography in India: Emerging Patterns and Its Challenges. *SAGE Open*, 11(2), 1-18.
- Creswell, J. (2021). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches*, Tehran, Saffar [in Persian].
- Dagnew, G. W., Asresie, M. B., Fekadu, G. A. & Gelaw, Y. M. (2020). Factors Associated with Divorce from First Union among Women in Ethiopia: Further Analysis of the 2016 Ethiopia Demographic and Health Survey Data. *PLoS One*, 15(12), 1-12 [in Persian].
- Dargahi, H., Ghasemi, M. & Beiranvand, A. (2019). The Impacts of Economic and Social Factors on Divorce Rate in Iran with Emphasis on Business Cycles, Women's Education and Employment. *Journal of Economics and Modelling*, 9(4), 95-120.
- Dehdast, K., & Ghobadi, S. (2020). Explanation Factors of Rupturing in Iranian Family Influenced by Modernization: A Qualitative Meta Analysis. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(43), 121-158 [in Persian].
- Dewi, E. M. (2017). The Meaning of Divorce for Wives (The Marriage Age 20 Years and Above), *Jurnal Psikologi Pendidikan & Konseling*, 3(2), 23-29.
- Ebrahimi Manesh, M. (2015). *Exploring the Process of Divorce Phenomenon; Presenting a Contextual Theory*, Doctoral Dissertation in Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran branch [in Persian].
- Fura., D. L. (2018). Causes and Consequences of Divorce Among Wolisso Town Community, *Research on Humanities and Social Sciences*, 8(19), 15-23.
- Günay, G., Ersoy, A. F. & Alas Özduran, O. (2019). Divorce as a Social Problems and Its causes: Family Court Examination from Karabuk Sample Turkish, *Journal of Applied Social Work*, 2 (1), 48-55.
- Iran Statistics Center (1400). The Results of the General Population and Housing Census of 2015-2015 [in Persian].
- Kermanshah Province Statistical Reports (1400-1395), Divorce and Marriage Statistics [in Persian].
- Khatul Ngulya, F. M., Sutoyo, A. & Japar, M. (2022). Causes of Divorce among Young Couples: A Phenomenological Study at the Semarang Religious Court. *Jurnal Bimbingan Konseling*, 11(2), 130-136.
- Khan, G. & Sikander, p. & Akhlaq, A. (2019). "Factors Pertaining to Rising Divorce Rate and Its Consequences on The Family Culture of Pakistan: A Qualitative Study," *IBT Journal of Business Studies (JBS)*, Ilma University, *Faculty of Management Science*, 15(2), 199-210.
- Lebow, J.L. (2020), The Challenges of COVID-19 for Divorcing and Post-Divorce Families. *Family Process*, 59(3) 967-973.
- Leopold, T. (2018). Gender Differences in the Consequences of Divorce: A Study of Multiple Outcomes. *Demography*, 55(3), 769-797.
- Mahmoodzadeh Marghi, A., Mireskandari, F. & Farbod, M. S. (2021). Structural Equation Modeling of Divorce Tendency with Emphasis on Communication Skills, Conflict Resolution, and Marital Problems, *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 19(1), 35-44 [in Persian].
- Mohammadpour, and (1397). *Anti-Methodology: Philosophical Backgrounds and Practical Procedures in Qualitative Methodology*, Qom: Logos [in Persian].

- Mortelmans, D. (2020). Economic Consequences of Divorce: A Review. In: Kreyenfeld, M., Trappe, H. (Eds) *Parental Life Courses after Separation and Divorce in Europe*. Life Course Research and Social Policies, vol 12. Springer, Cham.
- Piri, S., Niazi, M., Piri, H. & Khoshroo, Z. (2021). Early Divorces; an Attempt to Get Rid of the Discourse of Tradition in the City of Ilam. *Journal of Social Problems of Iran*, 11(2), 41-73 [in Persian].
- Rezaianasab, Z. (2021). The Process of Divorce Formation among Divorced Women in Ilam. *Social Problems of Iran, Journal of Kharazmi University*, 12(1), 299-332 [in Persian].
- Shahbackti, Z., Shafiabady, A., Hasani, H., Jajarmi., M. (2018), Designing a Family Concept Model in Divorce Applicant Couples Based on Grounded Theory, *Social Work Research*, 5(15) ،239-278 [in Persian].
- Smith-Etxeberria, K., Eceiza, A., Garneau-Rosner, C. & Adler-Baeder, F. (2021). Parental Divorce and Interparental Conflict and Parent-Child Relationships in Spanish Young Adults. *The Spanish Journal of Psychology*, 37(1), 1-9.
- Tajbakhsh, GH. (2022). Analysis of Cultural Factors Affecting the Occurrence of Divorce Using Q method, *Jame Pazhuhiy Farhangi*, 12(4), 1-23 [in Persian].
- Waluya, B. (2007). *Sosiologi: Menyelami Fenomena Sosial di Masyarakat*. Bandung: PT. Setia Purna Invens.
- Yeshiwork, M., Koye. K. & Meseret, A. (2019). Prevalence, Causes and Consequences of Divorce in Bahir Dar City, Ethiopia, *African Journal of Social Work*, 9(1), 73-78.
- Zahl-Olsen, R. (2022). Understanding Divorce Trends and Risks: The Case of Norway 1886–2018. *Journal of Family History*, 48(1), 60-80.